

داستان هفت نفری
که به دار آویخته شدند

لیانید آندری یِف

حمیدرضا آتش برآب

www.ketab.ir



سرشناسه: آندری یف، لئونید نیکالایوویچ، ۱۸۷۱ - ۱۹۱۹م.

Andreev, Leonid Nikolaevich

عنوان و نام پدیدآور: داستان هفت نفری که به دار آویخته شدند/ لیانید آندری یف/ ترجمه حمیدرضا آتش برآب

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۳۵۶ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۹۲۱-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Леонид Николаевич Андреев, c2009.

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "ماجرای هفت تن بدار آویختگان" توسط

انتشارات سیمین دخت در سال ۱۳۸۲ منتشر شده است.

موضوع: داستان های روسی - قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: آتش برآب، حمیدرضا، ۱۳۵۶ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف/PG۳۳۸۵

رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۶۰۴۰



داستان هفت نفری که به دار آویخته شدند

ترجمه حمیدرضا آتش برآب

لیانید آندری یف

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

آماده سازی و تولید:

چاپ و صحافی: نقره آبی

طراحی گرافیک: پرویز بیانی

نوبت و شمارگان: چاپ اول (ناشر) ۱۴۰۲، ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هر گونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۷۷۴۰۵

@ketabeparseh



فهرست

- ۱۳ یادداشت مترجم
- ۲۱ داستان هفت نفری که بعد از اوجبه شدند
- ۱۶۷ یکی بود، یکی نبود (داستان کوتاه)
- ۲۰۹ لیانید آندری یف. نیکالای تیلیشوف
- ۲۳۳ اتوبیوگرافی کوتاه
- ۲۴۳ ترجمه‌های مشهور

و آن منم که دوان دوان از پی سراپهاست؛
آن که پیوسته منکر حیات بود و
هرگز آرامشی نداشت.
لیانید آندری یِف

یادداشت مترجم

خواننده عزیز: از منظر عموم صاحب نظران روس می توان گفت، پیش روی شما بهترین رمان و داستان کوتاه آندری یِف قرار دارند: داستان هفت نفری که به دار آویخته شدند (۱۹۰۸) و یکی بود، یکی نبود (۱۹۰۱). به قول میرسکی، لیانید آندری یِف در هر دوی این آثار به طور تمام و کمال و با مهارتی خاص و خلاقانه، سبک تالستوی را به کار گرفته است. وقتی شهرت ماکسیم گُورکی در روسیه رو به افول گذاشت، لیانید آندری یِف محبوب همگان شد. البته روند محبوبیت او از انقلاب ۱۹۰۵ آغاز شده بود. بلافاصله، پس از انقلاب، مکتب جدیدی جایگزین مکتب قبلی شد که می توان آن را متافیزیکی یا به عبارتی، بدبینانه، خواند؛ چون داستان و نمایشنامه آن دسته از نویسندگان حول مسائل ماورایی می گشت و راه حلشان نیز، برای عبور از مسائل، با بدبینی و پوچی

درهم می‌آمیخت. این نویسندگان درست در سالهای پس از شکست نخستین انقلاب (۱۹۰۷-۱۹۱۱) در اوج شهرت بودند و مورخان جامعه‌شناسیک ادبیات روسی همواره سعی داشتند جنبش ایشان را با یک یأس سیاسی همبستر بدانند. مسلّم است که مضامین سیاسی برای موفقیت آن مکتب در میان مردم اهمیت داشت، اما خود این مکتب پیش از اینها آغاز و بسیاری از آثار ارزشمند و خاص آندری یف نیز قبل از ۱۹۰۵ نوشته شده بود. منتقدانی که با متدهای کهن ادبیات پیش می‌رفتند، و نیز خوانندگان نسل قدیمی‌تر مکتب تندروهای مذهبی (و بیش از مذهبی محافظه‌کار)، عملاً تفاوتی میان آندری یف و سمبولیستها قائل نمی‌شدند. اما واقعیت این است که آندری یف و سمبولیستها، جز خروج از معیارهای مألوف و تمایل به کارهای سترگ، شباهت چندانی نداشتند. جهان‌بینی سمبولیستها بر متافیزیک رئالیستی (رئالیستی به معنای قرون وسطایی آن) استوار بود و آنها اگر هم به زندگی بدبین بودند، به مرگ خوشبینانه می‌نگریستند؛ یعنی عارف مسلک بودند. آندری یف اما لادری مشرب و با هر خوشبینی عارفانه بیگانه بود؛ بدبینی‌اش کامل و جامع‌الاطراف بود؛ هم بدبین به زندگی و هم مرگ. اگر بخواهیم خیلی صریح بگوییم: سمبولیستها از مدرسهٔ داستایفسکی می‌آیند و آندری یف از مکتب تالستوی. حقیقت آن است که بخشی از ماهیت تالستوی در فلسفهٔ آندری یف نمایان می‌شود و تأثیر ادبی وی بر این نویسنده را هرگز نمی‌توان انکار کرد.